

تحلیل نشانه شناختی عنوان در آثار رسام عرب زاده^۱

آزاده یعقوب زاده^۲

حسنعلی پورمند^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۸/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۰۱

چکیده

رسام عرب زاده از جمله هنرمندان معاصر در حوزه طراحی و تولید فرش است. اکثر آثار ایشان حاوی عناوین مختلف ادبی، فرهنگی، عرفانی و فلسفی است. عناوینی که رسام عرب زاده برای آثارش برگزیده نشان از قایل شدن اهمیت به عنوان اثر، علاوه بر خود اثر هستند. در این جستار، سعی بر آن است تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و با بهره گیری از نشانه شناسی، عناوین و متون مرتبط با آن در آثار ایشان مورد بررسی قرار گیرد. پژوهش حاضر ضمن بررسی عناوین آثار منتخب (۱۲ مورد) از آثار رسام عرب زاده به دنبال پاسخ گویی به این سوالات است که، چه ارتباطی بین دال (عنوان) و مدلول (متن) وجود دارد؟ و آیا عناوین آثار رسام عرب زاده در خوانش مفهوم متن اثر دخالت دارد؟ نتایج پژوهش نشان می دهد، ضمن این که عنوان در آثار وی، مهم ترین و اساسی ترین درگاه ورود به آن اثر است، ارتباط تنگاتنگی با مفاهیم آن اثر دارد. از سویی، ذهن خواننده را به چالش کشیده، فرضیه های برای او مطرح ساخته و او را به خوانشی عمیق از متن اثر تحریک می کند. عنوان در آثار رسام عرب زاده در خوانش متن آثار بسیار موثر بوده و در اغلب موارد به عنوان بخشی از اثر نیز می تواند باشد.

واژگان کلیدی: عنوان، فرش، رسام عرب زاده، نشانه شناسی، خوانش متن

1. DOI: 10.22051/jjh.2020.28801.1462

۲- دانشجوی دکتری هنر اسلامی، دانشکده هنرهای صناعی اسلامی، دانشگاه هنر اسلامی تبریز، تبریز، ایران.
a.yaghobzadeh@tabriziau.ac.ir

۳- دانشیار گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، نویسنده مسئول. Hapourmand@modares.ac.ir

مقدمه:

یکی از شیوه‌های تازه در بررسی یک متن در جریان فکری حاکم بر آن، تحلیل و نقد عنوان‌ها و اسامی آثار ادبی و هنری است؛ که می‌تواند بیان‌گر تطورات و تحولات فکری حاکم بر یک متن از یک سو و فضای کلی اندیشگانی حاکم بر خالق آن متن از سوی دیگر باشد. عنوان‌ها، مجموعه‌ای از نشانه‌های دلالت‌گر هستند که از یک جهت، برای شناساندن متن و مفهوم اجمالی آن و از جهت دیگر، برای جذب مخاطبان در ابتدای متن قرار می‌گیرند. به عبارتی، «عنوان» اولین رابط میان مولف و مخاطب دانسته می‌شود، که به یکی از صورت‌های نشانه زبانی، و مجاز لغوی یا نماد ارائه شده و مدلول‌هایی را در ذهن مخاطب ایجاد می‌کنند. این مدلول‌ها، که در آگاهی از متن راه‌گشا هستند، در پیوند منسجم با مضامین، موتیف‌ها و اندیشه‌های محوری هر اثر قرار دارند.

با این حال، پژوهشگران هنری چندان به این مساله نپرداخته و تا حدودی نسبت به این موضوع مهم و کلیدی در فهم آثار هنری غافل بوده‌اند؛ و همواره، آن را به عنوان یکی از موضوعات حاشیه‌ای می‌دانستند که اهمیتی ندارد؛ و چنان تصور می‌رفت که برای معرفی اثر است و هیچ تاثیری در تحلیل اثر ندارد.

در این جستار، نگارندگان سعی بر آن دارند، تا عناوین تعدادی از فرش‌های رسام عرب‌زاده را مورد بررسی قرار دهند و روابط میان عنوان و متن اصلی را کشف نمایند؛ از این‌رو، لازم می‌نماید سوالاتی طرح شود، تا از طریق پاسخ‌گویی به آن دست‌یابی به این مهم صورت پذیرد: (۱) عناوین فرش‌های رسام عرب‌زاده چه رابطه‌ای با متن اصلی اثر داشته‌اند؟ (۲) عناوین فرش‌های رسام عرب‌زاده تا چه حد توانسته نیت اصلی مولف را بیان کند؟ (۳) آیا تحلیل عناوین آثار رسام عرب‌زاده، ضمن روشن کردن سویه‌هایی از اندیشه استاد، یاریگر مخاطب برای فهم بهتر آثار اوست؟

روش و اهداف پژوهش

نگارندگان سعی بر آن دارند، تا با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، و با بهره‌گیری از نشانه‌شناسی، عناوین و متون مرتبط با آن، فرش‌های رسام عرب‌زاده را مورد بررسی قرار داده و ارتباط عناوین (دال) با مفاهیم (مدلول) نهفته در متن آثار را کشف نمایند؛ تا بدین وسیله راه را برای پژوهشگران علاقمند به این موضوعات هموار سازند؛ و از دیگر سو، زوایای پنهان و

اندیشه ناب رسام عرب‌زاده در حیطه هنر فرش معاصر کشف گردد.

پیشینه پژوهش

عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر هرگونه اثر تلقی می‌شود؛ اما مطالعات بسیار اندکی در این زمینه صورت گرفته است. فرانسوا فوریه و آندره فانتانا (۱۹۶۸)، دو پژوهشگر فرانسوی با نگارش کتاب «عناوین کتاب در قرن هشتم»، مقدمات پیدایش علمی جدید به نام عنوان‌پژوهی^۱ را فراهم کرده‌اند. اما در این میان، لئوهوئک (۱۹۷۳) را می‌توان سردمدار این نوع از پژوهش‌ها دانست، زیرا با نگارش کتاب نشانه عنوان^۲، پایه‌های اصلی دانش عنوان‌پژوهی و چهارچوب‌های آن را بنا نهاد. وی اهمیت و کارکرد عنوان و رابطه آن را با متن مورد بررسی قرار داد و برای دسته‌بندی و گونه شناسی آن‌ها کوشش نمود. نویسنده دیگری که در این زمینه دستاوردهای ارزشمندی ارائه داد، ژرار ژنت^۳ بود؛ ژنت (۱۹۷۳ و ۱۹۸۲)، با نگارش دو کتاب صوربلاغی^۴ و آستانه^۵، عنوان را به مثابه بارزترین و مهم‌ترین عنصر هر اثری معرفی کرد. ژنت، عنوان را در یکی از اقسام ترامنتیت، یعنی پیرامنتیت مورد بررسی قرار می‌دهد. «بارت» نیز از جمله نشانه‌شناسانی است که به «عنوان» توجهی ویژه دارد. بارت، به موضوع بینامتنیت مخاطب می‌پردازد و خوانش و بینامتنیت مخاطب را - به دلیل این که «عنوان» رابطه میان متن و مخاطب و فراخوان مخاطب به سوی متن است - در این راستا حایز اهمیت می‌داند. با توجه به موضوع این پژوهش و با جستجوهای انجام گرفته در راستای موضوع نشانه‌شناسی عنوان، دو پایان نامه فارسی و چند مقاله فارسی و انگلیسی یافت شد که در چند سال اخیر، در حوزه‌های مختلف و با رویکردهای متفاوت به تحلیل عنوان در آثار هنری پرداخته‌اند؛ لدرا و همکاران (۲۰۰۶)، در مقاله «هنر عنوان‌گذاری:

تائیراطلاعات عنوان، بر فهم و درک نقاشی‌ها»^۶ - که به روش تجربی انجام گردیده- بیان می‌دارند که اگر زمان کافی برای برداشت معنا توسط مخاطب وجود داشته باشد، فهم اثر هنری اهمیت می‌یابد. فرانکلین و همکاران (۱۹۹۳)، در مقاله «تائیر عناوین بر چگونه دیده شدن نقاشی»^۷ تغییر عنوان را موجب خوانش های تفسیری غیر مشابهی از یک نقاشی برآورد کرده اند. نامورمطلق (۱۳۸۸)، در مقاله «عنوان‌شناسی آثار هنری و ادبی (مطالعه نشانه‌شناختی عنوان هنری از قرن چهارم تا دوازدهم)» با رویکرد نشانه‌شناسی،

عناوین آثار ادبی و معمارانه فرهنگ ایرانی را از قرن چهارم هجری تا پایان دوره صفویه مورد مطالعه قرار داده و سپس، به نقش اقتصادی عناوین امروزی اشاره می‌کند. عبدالله آبادی و مقیم نژاد (۱۳۹۱)، در پایان‌نامه «بررسی نقش عنوان در کارکردهای بیانی عکس(عنوان در عکس‌های عکاسان هنری معاصر ایران)»، بیان می‌دارند در انتقال معنای عکس عنوان‌گذاری شده «عنوان» می‌تواند چون عضوی مشخص‌کننده و یا سازنده و یا تغییردهنده معنا، نقش داشته باشد. معادیخواه و نامور مطلق (۱۳۹۲)، در پایان‌نامه «پیرامتن‌های عنوان و عنوان‌بندی به مثابه آستانه متن در سینما با تاکید بر آثار عباس کیارستمی» با تکیه بر نظریات ژرار ژنت در باب متنیت عنوان و عنوان‌بندی فیلم را به عنوان پیرامتن معرفی می‌کنند که در چگونگی خوانش مخاطب از متن موثر است. راد منش و شعیری (۱۳۹۲)، در مقاله «بررسی نشانه-معناشناختی رابطه عنوان و نقاشی مطالعه موردی نقاشی «تداوم خاطره» سالوادور دالی و «جیغ» ادوارد مونش» با مطالعه موردی دو اثر نقاشی «تداوم خاطره» سالوادور دالی و «جیغ» ادوارد مونش به بررسی رابطه نقاشی‌ها و عناوین‌شان از دیدگاه نشانه-معناشناختی پرداخته‌اند. سهیلی اصفهانی و مراثی (۱۳۹۵)، در مقاله «کارکرد عنوان در آثار تجسمی هنر مفهومی» به بررسی تاثیر عنوان در انتقال مفهوم آثار تجسمی مفهومی پرداخته‌اند؛ و نتیجه این‌که، عنوان در انتقال مفهوم آثار تجسمی مفهومی دخالت دارد؛ و بخشی از خود اثر محسوب گشته و جدا از آن نمی‌باشد. وجه تمایز این پژوهش با پژوهش‌های ذکر شده، در این است که، در زمینه آثار رسام عرب‌زاده تحقیقات اندکی صورت پذیرفته است. آثار هنرمند به صورت دو جلد کتاب با عنوان‌های گره عشق^۸ و بدایع نگار فرش ایران عرب‌زاده،^۹ بازتاب در رسانه‌های دیداری و شنیداری، اظهار نظرهای پراکنده صاحب نظران بوده است. جز یک مقاله مستقل «بررسی و تحلیل قالی‌های رسام عرب‌زاده از منظر ساختارگرایی» نوشته جراحی طلب (۱۳۸۸)، و اشارات گذرا در پایگاه‌های اینترنتی، مانند بنیاد فرهنگی- هنری رسام عرب‌زاده، به آثار ایشان کم‌تر به‌طور مستقل، عمیق و از منظر رویکردهای مختلف از جمله نشانه‌شناسی پرداخته شده است. در موضوع این نوشتار نیز همان‌طور که در بالا ذکر شد، تمامی مقالات مرتبط با این رویکرد در حوزه‌های دیگر آثار هنری هستند.

مبانی نظری پژوهش

ویژگی نشانه‌شناختی عنوان، هم‌چون فرانشانه‌ای بودن آن، امری است که مورد توجه نشانه‌شناسان قرار گرفته است؛ زیرا عنوان بزرگ‌ترین دلالت زبانی را دارد که مضمون متن را در برمی‌گیرد. عنوان یک اثر، چیزی است که متن آن را می‌داند و از این‌رو، عنوان را می‌توان هم‌چون کلیدی برگشودن معمای متن دانست. علم نشانه‌شناسی علمی فرازبانی است؛ که تلاش می‌نماید زبان دوپهلوی، مبهم و متناقض را به صورت فرازبانی معقول و بی‌ابهام توصیف کند (کالر، ۱۳۸۸: ۹۹). نشانه‌شناسی مطالعه سیستماتیک تمامی فاکتورهایی است که در ایجاد و یا تأویل نشانه و یا در فرایند دلالت دخیلند (دینه سن، ۱۳۸۰: ۷). از این‌رو که، عنوان اثر ادبی و یا هنری معانی رمزگونه دارد، هم‌چون نشانه نیازمند تأویل و تفسیر است.

از نظر لئوهوئک، عنوان، مجموعه‌ای از نشانه‌های زبانی متشکل از واژه‌ها و جمله‌ها است، که جهت متن را مشخص می‌کند و به محتوای کلی متن اشاره کرده و مخاطبان را جذب می‌کند. در این‌جا، عنوان نشانه زبانی است که در رأس آن متن قرار گرفته و خواننده را برای خواندن آن جذب می‌کند. از سویی، عنوان یکی از آستانه‌های مشرف بر متن است، که متنی موازی با متن اصلی تشکیل می‌دهد و آن‌چه که در این پژوهش، مد نظر نگارندگان است؛ عنوان هم‌چون یک ساختار موازی با متن در سطح معنایی است. هوئک در این خصوص می‌نویسد: «عنوان معنای خود را کسب نمی‌کند، مگر در رابطه دیالکتیکی با متن» وی ادامه می‌دهد: «معنای ارائه شده به وسیله عنوان گاهی، به‌صورت آشکار و اغلب، به‌صورت نامحسوس توسط متن بیان می‌شود. عنوان، خوانش متن را سامان می‌دهد و متن معنای عنوان را تعیین می‌کند: در نتیجه ارتباطات میان عناوین و متن دیالکتیک است» (نامور مطلق، ۱۳۸۸: ۸۰). اهمیت عنوان تنها از آن روی نیست که اثر را شناسنامه دار و از سایر عناوین متمایز می‌کند، بلکه می‌تواند دال بر کیفیت و اهمیت اثر از نظر ساخت و کارکرد نیز باشد. عنوان، نخستین علامتی است که خواننده با آن مواجه می‌شود و از آن‌جا که، بین عنوان و متن، ارتباط معناداری وجود دارد، خواننده از آن می‌تواند به موضوع متن احاطه یابد.

در طول تاریخ به‌طور پیوسته دگرگونی‌هایی در کارکردهای عنوان به‌وجود آمده است؛ زیرا مخاطبان یا مخاطبان هدف متفاوت شده‌اند. به‌طور مثال، اگر

برخی دوره‌ها سلاطین و عده خاصی مخاطب هدف بوده‌اند، در برخی دوره‌ها، توده مردم جای آن‌را گرفته‌اند. این دگرگونی به نوبه خود بر کارکرد عنوان نیز تاثیر گذاشته است. این کارکردها عبارتند از: (۱) کارکرد شناسایی؛ (۲) کارکرد ارتباطی- تبلیغاتی؛ (۳) کارکرد عنوان-آستانه(همان: ۸۴).

پیکره مطالعاتی

عناوین فرش‌های رسام عرب‌زاده

در نگاهی کلی به فرش معاصر ایران، یکی از بحث برانگیزترین آثار، فرش‌های استاد رسام عرب‌زاده و خوانش جدید وی از فرش بافی است. این آثار در نوع خود منحصر به فرد بوده و اگرچه در بافت تاریخی موجود طراحی و تولید شده‌اند، با نمونه‌های مشابه تمایز بسیار دارند. بنابراین، نگاه خاص، ساختار شکن و متفاوت وی نیازمند بررسی‌های بیشتر است(جراحی‌طلب، ۱۳۸۸: ۲۶). رسام عرب‌زاده ضمن پای‌بندی بر موازین سنت قالی بافی ایران و بهره‌گیری از نقوش مختلف آثار سنتی ایران و تلفیق آن با نقوش مرتبط با نگارگری و کاشی‌کاری، معماری و منبت و تشعیر و تذهیب و ... دست به نوآوری‌های بسیاری زده است. رسام عرب‌زاده اندیشمندی است که با تفکر و تعمق راهی عارفانه و عاشقانه را در هنر این مرز و بوم طی نموده است. آثار وی دارای بدایع بسیاری در زمینه‌های بافت، رنگ، طرح و نقش می‌باشد که هر کدام حایز تعمق و بررسی بسیار می‌تواند باشد. طرح‌های رسام عرب‌زاده، نگاره‌های بی‌جان و خاموش نیستند؛ بلکه استاد پیام‌های انسانی و خردمندانه خود را به زبان نگاره‌ها به تماشاگر می‌دهد. این آثار برای زیر پا بافته نشده، بلکه دیده‌نواز چشمان عبرت‌بین است و این خود یکی از اعتقادات استاد است به این‌که فرش زمین نشین نیست؛ بلکه دیده‌نشین است(سرمدی، ۱۳۸۲: ۳۳). بنابراین، آثار عرب‌زاده انباشته از سخنان عارفانه و پیام‌های عاطفی است و حتی پافرازر نهاده است. ذهن این هنرمند در پی کشف مفاهیمی بود که دست‌یابی به آن‌را تنها از طریق طراحی سنتی فرش ممکن نمی‌دانست؛ از این‌رو، در پی تلفیق این عناصر برآمد؛ و حتی برای آثار خود به‌مثابه یک تابلو و یا هر اثر هنری دیگری «عنوان» برگزیده و آن‌ها را کاملاً از یک فرش معمولی و کاربردی متمایز می‌سازد؛ و این عمل، سبب برجستگی بیشتر آثار او شده است. وی به فرش خود هم‌چون اثری منفرد، نام(عنوان) اطلاق می‌کند؛ تا آن‌را به‌واسطه عنوانی

بشناساند و این فرایند آشنایی زدایی و برجسته سازی را تکامل می بخشد(جراحی‌طلب، ۱۳۸۸: ۲۰). با این حال عنوان‌گذاری در عرصه آثار ادبی بسیار رایج‌تر از آثار هنری بوده است و در دوره‌هایی از تاریخ نیز بیش‌تر مورد توجه بوده است. چنان‌چه آثار مکتوبی - که از سده چهارم هجری برجای مانده است- نشان می‌دهند که نخستین کتاب‌های فارسی، عنوان داشته‌اند.

جدول ۱. دسته بندی عناوین فرش‌های رسام عرب

زاده(نگارندگان).

| عناوین ملهم از فلسفه | عناوین ملهم از عرفان | عناوین ملهم از ادب و فرهنگ |
|--|----------------------|---------------------------------------|
| آرامگاه سعدی | | آزمون بیداد |
| آمیزش دوسبک(ایران و ژاپن) | | این چرا و آن چرا |
| بردر ازیاب مروت | | بیدادگر |
| بیم موج | | بهرام در شکارگاه |
| انقلاب در انقلاب | | جلوس کوروش |
| اویسه | | چهل متن |
| پرده الهام(گردنه روزگار) | | چوگان |
| تا لب بحر(جای پای لا) | | دختر قاسم آباد |
| جام جهان نما(سقف گنبد مسجد شیخ لطف الله) | | دختر قاجار |
| گنبد مسجد شیخ لطف الله | | در منبت‌کاری |
| خلوت رندان | | دنای کوچک- |
| خم معرفت | | دیوانگان بزرگ |
| دختر رز | | دنیای رنگ و نقش |
| دم | | رامش‌گر |
| ساقی نامه | | رقص حاشیه‌ها |
| سبوی نگار | | شاه صفوی در شکار |
| شمع و قندیل | | شاهنامه(سلطان محمود در پیشگاه فردوسی) |
| فرش جهان نما | | شکار آهو |
| کشکول | | طرح موزاییک |
| میستان | | فرش خزان |
| می وحدت | | فتح سومنات |
| | | کار نیکو کردن از پر کردن است |
| | | گنبد سلطانیه |
| | | گلچین حاشیه‌ها |
| | | محراب عشق |
| | | مرغان در بند |
| | | مسجد چهارباغ |
| | | نقش تذهیب درب کاخ |
| | | چهلستون |
| | | هفت سین |
| | | هنر در هنر |

با مروری بر تاریخ هنر فرش، مشاهده می‌شود در نمونه‌های بسیاری با توجه به محل بافت(ساروق)، طریقه استفاده(سجاده‌ای)، نام تولید کننده(محتشم)،

نام طایفه (کشکولی)، موضوع نقش (محرمات)، شکل نقش (شیری)، نام طراح، نام خریدار و یا شرکت (چلسی)، اندازه فرش (پرده‌ای) و... همگی دلایلی برای نام‌گذاری فرش‌ها بوده‌اند (دریائی، ۱۳۸۶: ۳۱). و یا تحت عنوان اسامی غربی، مانند سانگشکو و پولونیز، سالتینگ و... این عناوین عمدتاً، دستاورد کم‌تر از صد سال اخیر هستند.

با این حال، عنوان‌گذاری یا همان نام‌گذاری فرش‌های رسام عرب‌زاده، به‌گونه‌ای دیگر و با نگاه جدیدی به آن صورت گرفته است. انتخاب عناوین با دقت و وسواس زیادی در آثار رسام عرب‌زاده بارز و مشخص است؛ و از آن‌جا که آثار هنرمندان انعکاس اندیشه و گرایش‌های فکری و روحی آن‌هاست، با مطالعه عناوین و ارجاع به متون آن‌ها می‌توان به خطوط فکری و اندیشه هنرمند پی برد. عناوینی که رسام عرب‌زاده برای آثارش برگزیده، همانند آثار سرشار از ناگفته‌هاست و نشان از قایل شدن اهمیت به عنوان اثر، علاوه بر خود اثر هستند. عناوین فرش‌های رسام عرب‌زاده را می‌توان به صورت ذیل دسته‌بندی نمود: (۱) ادبی و فرهنگی؛ (۲) عرفانی؛ (۳) فلسفی.

تحلیل نشانه‌شناختی عناوین منتخب

هر عنوان یکی از جنبه‌های متن را نشان می‌دهد و از موارد دیگر صرف نظر می‌کند. در حالی که می‌تواند بر موضوع‌ها و جنبه‌های گوناگونی دلالت کند. اگر عنوان بتواند پرتنگ‌ترین و مهم‌ترین موضوع و جنبه را نشان دهد، نام‌گذاری به شیوه صحیح انجام شده است. از این‌رو، عنوان، برجسته‌ترین و اصلی‌ترین پیام متن بوده که بر آن تاکید می‌شود. پیامی که از همه برجسته‌تر و هدف و منظور مولف متن در آن نهفته است.

بسیاری معتقدند از نامی که مولف برای اثر خود انتخاب می‌کند، می‌توان به ذهن او پی برد. برخی از مولفین آثارشان را نام‌گذاری می‌کنند، تا به‌واسطه آن، آثارشان در میان آثار دیگر متمایز و مشخص شود و مخاطبان نیز آن اثر یا آثار را بشناسند. لکن، اهمیت عنوان تنها از آن روی نیست که اثر را شناسنامه‌دار و از سایر عناوین متمایز کند، بلکه می‌تواند دال بر کیفیت اثر از نظر ساخت و کارکرد نیز باشد. عنوان، نخستین علامتی است که خواننده با آن مواجه می‌شود و از آن‌جا که بین عنوان و متن ارتباط معناداری وجود دارد، خواننده از آن می‌تواند به موضوع متن احاطه یابد.

نامورمطلق در مقاله عنوان‌شناسی آثار ادبی و هنری، عناوین اثر را با توجه به ارجاعات‌شان قابل مطالعه دانسته و با در نظر گرفتن ارجاعات‌شان به دو دسته درون‌متنی و برون‌متنی تقسیم‌بندی می‌کند. عناوین درون‌متنی، عناوینی هستند که ارجاعات آن‌ها به درون متن است؛ و علت نام‌گذاری، آن‌ها، این است که به یک یا چندین عنصر موجود در درون متن مربوط می‌شوند؛ عناصری از قبیل مضمون، موضوع، صورت و شکل اثر که متن براساس ترکیب آن‌ها خلق می‌شود (نامورمطلق، ۱۳۸۸: ۹۰). عناوین برون‌متنی به عناوینی مربوط می‌شوند که به خارج از متن ارجاع می‌دهند. به عبارت دیگر، مرجع این عناوین را نمی‌توان در درون متن جست‌و‌جو کرد، زیرا به عوامل فرامتنی و برون‌متنی مرتبط می‌شوند (همان: ۹۵)؛ مانند نام مؤلف، حامیان، مجموعه‌دار یا خریدار و مکان. رسام عرب‌زاده، عناوین آثار خود را به شیوه‌های مختلف برگزیده است که به ترتیب عبارتند از:

- ۱) نام اثر برگرفته از مضمون؛
- ۲) نام اثر از بیت شعری برگرفته از متن اثر و در ارتباط با موضوع اثر؛
- ۳) عنوان برگرفته از پیام، پیامی که هدف و منظور خالق اثر است؛
- ۴) نام اثر برگرفته از صورت و شکل اثر؛
- ۵) بدون ارتباط دال (عنوان) و مدلول (متن).

حال با توجه به موارد ذکر شده، تعدادی از آثار رسام عرب‌زاده انتخاب شده و با توجه به عنوان و نشانه‌های متن مورد بررسی قرار گرفته‌اند. سعی بر آن داشته‌ایم از هر دسته، تعدادی از آثار رسام، بر اساس تنوع محتواهای مختلف هم‌چون فلسفی، ادبی، عرفانی و با توجه به پنج مورد بالا انتخاب و توصیف و تحلیل شوند.

۱) بر در ارباب بی‌مروت

در این اثر، استاد رسام عرب‌زاده مصرع اول بیتی از خواجه حافظ را برای عنوان و هم‌چنین پایه طرح اثر قرار داده است. «بردر ارباب بی‌مروت دنیا چند نشینی که خواجه به درآید» (حافظ، ۱۳۸۰: ۱۲۵). جهان‌بینی رسام در این اثر چنین بیان شده که، در عین درویشی و تارک‌الدنیایی، دور از حرص دنیا، خویش‌انگیزی را پایه حیات خود قرار دهیم که شیوه زندگی راستین، دل‌بریدن است از کمک مال‌اندوزان و جهان‌خواران که آنان ارباب بی‌مروت دنیابند (سرمدی، ۱۳۸۲: ۶۶). اندیشه رازآمیز رسام در نگاره درویش از قالی به‌صورت فضایی تیره و

اندوه‌بار است که این فضا تداعی‌گر ناامیدی آدمی است؛ و اگر چه حضور کوبه‌های در، در این فضای تیره و تار مشاهده می‌شود، اما به نظر می‌رسد که گشوده شدنی نیستند و صرفاً برای زینت است. درویش با رنگارنگی پوشش خویش، که معرف فقر مادی و دلق وصله‌دار است، هم‌نشین سگی است؛ که سگ در فرهنگ ما نمادی از سر بر آستان سپردن است (همان).

با نگاهی به زندگی و نشیب و فراز گذران زندگی استاد، متوجه می‌شویم که تجربیات طول حیات وی، چنین اندیشه‌ای را برایش مسجل کرده است. زیرا او در آزمون کار خویش، سال‌های سال یکه و بی‌پشتوانه دیگران با تلاشی خستگی‌ناپذیر، ارباب بی‌مروت را به چیزی نگرفته و راه موفقیت را پیموده است.

عبارت بر در ارباب مروت، که زمینه آن هم‌رنگ در است، چنان روشن نوشته شده که چون چراغی راهنمای سراب دیدگان است؛ از این‌رو، عنصری است که چون در عنوان حضور داشته در انتقال مفهوم متن فرش تاثیرگذار است. گاهی اوقات خود نوشتار در اثر، می‌تواند عامل شناسایی و خطاب قرار بگیرد؛ حتی اگر خالق و مولف، عنوانی برایش برنگزیده باشد؛ و هیچ عاملی بهتر از شعر در فکر و اندیشه آدمی نقش نمی‌بندد و صورتی زیباتر از آن در پرده خیال و تصورات آدمی رخ نمی‌نماید.



تصویر ۱- گلیم - فرش بر در ارباب مروت (ULR1).

(۲) بیم موج

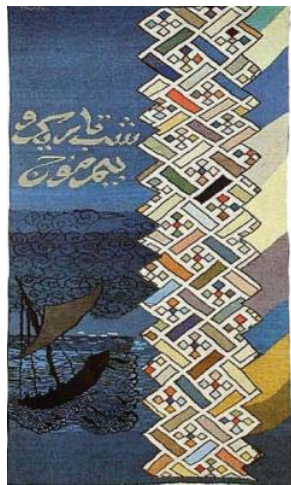
بیم موج عنوان اثری است که در آن رسام عرب-زاده قسمتی از مصرع اول بیتی مشهور از خواجه

حافظ را در اثر به طور آشکار و برجسته نشانده است.

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هائل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل‌ها (حافظ، ۱۳۸۰: ۸۹).

شکوه و شکایت هنرمند از جامعه‌ای است که مردمانش در خویشتن‌خواهی خویشند و هنرمند رنج‌کش زمانه خود، که غم دریازدگان دارد و غرق شوندگان. طرح پر از نمادها و نشانه‌ها؛ دریای متلاطم، شبی نه آن‌چنان تاریک که دریا و شب را در سحرگاهی نه تیره و نه روشن می‌نماید، با زورقی کوچک به دست بازی امواج. نوشتار این اثر، هم در عنوان حضور داشته و هم در انتقال مفهوم متن فرش تاثیرگذار است.

شب تاریک و ترس از امواج و گردابی این‌گونه هولناک، آن‌ها که بر ساحل دریا آسوده می‌گذرند، کی حال ما را می‌دانند؛ برای نشان دادن حال وحشت و سرگردانی خود در جست‌وجوی راز خلقت، نمایی از وحشت شب و دریا و طوفان ساخته و آن را در برابر آرامش سواحل آرام قرار داده است؛ خود را به عنوان سالک راه طریقت به کسی تشبیه کرده که در شبی تاریک بر کشتی نشسته و بیم موج و گرداب مرگ او را تهدید می‌کند؛ و سبکباران ساحل‌ها آن‌ها هستند که فارغ از تامل و تفکر در این‌گونه مسایل، آسوده زندگی می‌کنند؛ تاریکی مسایل ماوراءالطبیعه به مثابه شب تاریک، بیم فرو افتادن در گرداب شک و گمراهی و سرانجام گرداب هایل مرگ هر کدام به نوعی در این نما جلوه‌گرند.



تصویر ۲- گلیم - فرش بیم موج (ULR1).

۳) غنیمت عمر

این اثر صحنه‌ای از مینیاتورهای ایرانی را نشان می‌دهد که برای فرد آگاه به فرهنگ و هنر ایران آشناست. به نظر می‌رسد انتخاب عنوان غنیمت عمر در فرایند خوانش متن بسیار موثر است.

حاشیه و متن نماد سرانجام زندگی‌اند؛ زندگی که ماندگار نیست و هر دم به دم‌های دیگر می‌پیوندد و لحظات شکننده و ناپایدارند. طرح موزاییکی این طرح نیز به شکل نمادینی نمایش‌گر این ناپایداری است؛ هر لحظه ممکن است از هم بپاشد و به خاطره دمی در ذهن جهان بپیوندد.

اشعار خیام در جای‌جای حاشیه، دریچه‌های روشنی هستند که با سرعت ما را به جهان بوده و هست و نابوده می‌کشانند. نقوش این اثر، نشان‌دهنده زندگی ناماندگار است؛ شادی و شادمانی در این اثر، به غنیمت شمردن دمی است که اگر آن دم و دم‌های دیگر از دست بشوند، زندگی از دستمان گریخته است که می‌گذریم و فرو می‌ریزیم.

گذر عمر از جمله موضوعاتی است که همواره، توجه عارفان و اندیشمندان به خود جلب کرده است. برخی از آن‌ها، از گذرا بودن و کوتاهی عمر گلایه کرده‌اند و برخی دیگر، توصیه کرده‌اند که انسان‌ها فرصت کوتاه عمر را مغتنم بشمارند؛ و شاعرانی هم بوده‌اند، که تلاش کرده‌اند در اشعار و سرودهای خود از این راز هستی پرده بردارند.

این قافله عمر عجب می‌گذرد
دریاب دمی که با طرب می‌گذرد(خیام، ۱۳۶۵: ۳۴۵).

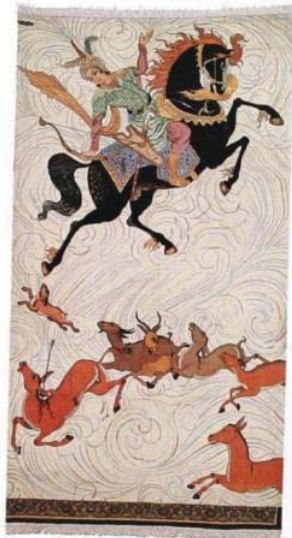


تصویر ۳- فرش غنیمت عمر(ULR1).

۴) کار نیکو کردن از پر کردن است^{۱۰}

نام اثر(کار نیکو کردن از...), پاسخ کنیزک به ادعای بهرام است که چیره‌دستی خود را امری ذاتی می‌داند. این گفته، هم‌چنین، پاسخی است به شیفتگان آثار رسام که جوایز رمز و راز چیره‌دستی او در طراحی و بافت ماهرانه و شگرف می‌باشند.

مضمون این اثر، صحنه‌ای از شکار بهرام گور است که به سبک مینیاتور طراحی شده و به‌غایت زیبایی و ظرافت در تار و پود فرش جای گرفته است. یکی از مضامین مورد استفاده در نقش پردازی‌های سنتی ایران، صحنه شکار و شکارگاه است؛ به‌ویژه، شکارگاه بهرام گور، که در تاریخ ادبیات فارسی نیز از آن سخن، بسیار رفته، و قصه منظوم(بهرام و کنیزک) حکیم نظامی شاعر بلند آوازه نیز از آن جمله است. رسام با الهام از منظومه معروف نظامی، صحنه شکار را با توانایی کم‌نظیر، به‌گونه‌ای طراحی کرده که زبردستی و چالاکی بهرام، به‌خوبی نمایان است؛ و در انتخاب عنوان نیز بسیار هوشمندانه از گفته کنیزک در جواب عمل بهرام بهره برده است. عنوان در کنار متن حاوی پیام عمیقی برای مخاطبین است و در خوانش متن نقش موثری دارد.



تصویر ۴- قالی کار نیکو کردن از پر کردن است(ULR1).

۵) انقلاب در انقلاب

این اثر از سوئی، بازتاب‌دهنده دگرگونی و تحول و انقلابی است که رسام در عرصه نقوش و ترکیب و

ساختار طراحی سنتی فرش صورت داده و از طرفی، نمایش گر انقلابی دیگر است. انتخاب عنوان انقلاب در انقلاب مرتبط با مضمون و پیام نهفته در اثر است.

در مرحله خلق این اثر، واقعه‌ای رخ می‌دهد، از یک سو، انقلاب مردم ایران شکل می‌گیرد و از سوی دیگر، این بافته - که کارگاه آن درون زندان است - گم می‌شود؛ چندسالی به طول می‌انجامد، تا اثر نیمه کاره پیدا شده و به دست استاد برسد. اکنون انقلاب اسلامی رخ داده و نظام دیگری در جریان زندگی مردم قرار گرفته است. عربزاده نیز باید بیان گر این واقعه باشد، پس، به تصویر انقلاب می‌پردازد و این خود از ابتکارات کم‌نظیر استاد است؛ و شاید اولین بار است که فرش ایران، به‌عنوان یک اثر هنری معرف یک واقعه تاریخی است. علاوه بر آن، استاد با نشان دادن تصاویر مردم در تظاهرات، تاریخ خلق این اثر را به ثبت می‌رساند (سرمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۸). نمادها و نشانه‌های مرتبط با انقلاب اسلامی در این اثر، به صورت نواری در میانه اثر و صحنه‌هایی از تظاهرات مردمی و شعارهای انقلابی‌شان نمایش داده شده است. رسام عربزاده، بسیار اندیشمندانه ضمن روایت این رویداد مهم تاریخی، از این نوع تصویرگری در جهت ادامه بافت این اثر استفاده کرده است. نیمه پایینی و بالایی اثر از لحاظ رنگ و تا حدودی طرح متفاوت هستند.



تصویر ۵- قالی انقلاب در انقلاب (سرمدی، ۱۳۸۲: ۱۱۹).

۶) پرده الهام

این اثر مجموعه‌ای بدیع از اندیشه‌های عارفانه و نگاره‌های تفکر برانگیز است. شاهکاری که طراحی آن، حاصل سه سال تفکر و کار شبانه استاد است و

به گفته خود وی، به صورت الهام هر شب قطعه‌ای از آن زینت بخش درون مایه فکری او می‌شده است (همان: ۱۰۲). در طراحی اثر، رسام عربزاده از نشانه‌ها و نمادهایی بهره برده است که با تامل بر آن‌ها می‌توان پی برد که بی ارتباط با عنوان و مضمون اثر نیستند. لکن، آگاهی بر شرح اندیشه تولید این اثر می‌تواند در گشودن معمای عنوان نیز رهگشا باشد. روزهای پایانی کار، استاد از ثمر کار خود بسیار خوشحال و مغرور شده بود و تصمیم داشتند اثر را با طرح و گفتاری به پایان برسانند؛ در پایان، از مولانا تفأل زدند؛ اما مولانا به ایشان پاسخی داد که آتش غرورش خاموش شد.

این حروف و حالات از نسخ اوست

عزم و فسخت همه از عزم و نسخ اوست
(بلخی، ۱۳۸۳: ۳۲۰).

آنگاه به راستی دانستند که طراحی این قالی از خودش نبوده؛ بلکه تمام ذرات نقوش آن به ایشان الهام شده است (ULR1)؛ و وجود این بیت در بالای این اثر از آن جهت می‌باشد. این فرش با این که قطعه قطعه به صورت الهام به ذهن استاد آمده است، اما کل آن از وحدت موضوعی برخوردار است. این اثر، دارای عنوان دوم «گردونه روزگار» نیز می‌باشد؛ در توضیح آن، باید گفت این اثر، از دو قسمت ساخته شده که مبین دو عالم گذرا و جاودان است. در جهان گذرا ما با نمونه‌های زیادی از تعلقات مادی و معنوی روبه‌رو هستیم و اغلب در مقابل حقایق دنیا در عالم غفلت به سر می‌بریم. در گوشه چپ پایین اثر سمبل چرخ و فلک می‌بینیم؛ تا همه عوامل هستی می‌خواهند آن را از گردش باز دارند؛ این عوامل که قدرت‌های این جهانی هستند به صورت سمبل‌هایی از جمله شمشیر و کشکول نشان داده شده‌اند اما چرخ نه تنها از گردش باز نمی‌ایستد، بلکه حتی لحظه‌ای هم درنگ نمی‌کند.

صبح است ساقیا قدحی پر شراب کن دور فلک
درنگ ندارد شتاب کن (حافظ ۱۳۸۰: ۲۰۱).

کسی که در این دنیا، همواره، از حرکت باز نایستد و از فرصت‌های زندگی به درستی استفاده نکند، می‌تواند از دانش و معرفت خود شمع روشن نماید و آن را با خود به دنیای باقی ببرد؛ تا در آن دنیای تیره در روشنایی به سر برد (همان).

دیدگان خردمندان و متفکران عالم است(سرمدی، ۱۳۸۲: ۱۲۵).

انسان در این گستره زیبا پا نهاده، که هر چیز نشانه‌ای از راز و رمز آفریدگار دارد، او، فرشته‌ای است که از عرش آمده است به فرش(اشاره به کتیبه‌ای در قسمت میانی اثر)؛ حضور نمادها و نگاره‌هایی مانند شیر و آهو؛ نمادی از گرفت و گیر و نقش سیمرغ؛ نمادی از خرد و اندیشه در تفکر و فرهنگ ایرانی، نقش ترنج با زمینه آبی و نقوش اسلیمی؛ نشان از پرتوی از تقدس مبدا هستی، نگاره‌های سازهای ایرانی و پیر چنگی و چنگ اسرارگو(ما زبالاییم و بالا میرویم/ ما ز دریاییم و دریا می‌رویم، من چنگم و از زمزمه خود خبرم نیست/ اسرار همی گویم و اسرار ندانم)(بلخی، ۱۳۸۳: ۳۰۴). نشانه‌هایی از آزادگی و آزادی، عشق و زیبایی و عاطفه و آرامش جان، وجود دست‌هایی از نژادهای گوناگون هستند؛ نشانه تساوی و برابری و ...



تصویر ۷- فرش جهان نما(ULR1).

اما جهان این‌گونه نمی‌ماند و چون وسعت می‌یابد، نیمه اهریمنی و خویش‌ستای انسان بر گروهی از اهل زمین چیره می‌گردد. آن‌گاه جهان‌خواران و ستمگران ظهور می‌کنند و زمین را به پلیدی و بیداد می‌آیند. این عناصر قدرت طلب چون عقابی سیاه و شوم بر گستره زمین بال می‌گسترند(سرمدی، ۱۳۸۲: ۱۲۶). چنان‌چه به‌کارگیری مصرع شعری از ناصرخسرو در اثر(قسمت بالایی فرش زیر بال عقاب) نیز بی‌ارتباط با این موضوع و نام‌گذاری اثر نیست.



تصویر ۶- فرش پرده الهام «گردونه روزگار»(ULR1).

۷) جهان نما

در این اثر، رسام عرب‌زاده در صدد نمایش جهان انسان‌هاست؛ و عنوان، به‌خوبی، توانسته شرحی مختصر در راستای متن باشد. با مروری بر متن می‌توان به این نکته دست یافت که رسام، با عنوان‌گذاری این فرش(جهان نما)، سعی در ارائه کلیدی برای حل معمای متن دارد؛ چنان‌چه، عنوان در درک و دریافت مخاطب از اثر نقش جدی ایفا کرده و تمهیدی است که خالق اثر برای انتقال معنا و مفهوم مورد نظرش به مخاطب از آن بهره می‌برد.

عنوان، در این اثر از نوع درون‌متنی است و ارجاع به مضمون و موضوع اثر، به‌وضوح، آشکار است. به عبارتی، می‌توان گفت عنوان، راهنمایی بر خوانش متن است و نمادها و نشانه‌های به‌کار رفته در متن نیز در راستای عنوان به آن ارجاع دارند. عنوان، به پررنگ‌ترین و مهم‌ترین موضوع و جنبه اثر اشاره دارد. شرح جهانی که در آن، انسان زندگی می‌کند. با شرحی بر متن اثر می‌توان به نمادها و نشانه‌های بسیاری دست یافت که به‌خوبی، عنوان «جهان نما» از عهده آن برآمده است.

رسام عرب‌زاده در این اثر، نمود جهان هستی را به نمایش گذارده است. رسام با ارائه طرحی نمادین از گذشته و حال جهان، افسانه هستی را از آغاز تاکنون به نقش آورده و ظهور انسان را بر گستره خاک بیان می‌کند و در لابلای نقوش، در صدد نمایش جهان هستی از دریچه هنر و اندیشه در

چون نیک نگه کرد و پر خویش بر او دیدگفتا
 ز که نالیم که از ماست(ناصر خسرو، ۱۳۶۷: ۳۱۸).
 در اندیشه ناصر خسرو، عقاب، نماد غرور و
 خودپسندی است.

۸ خلوت رندان

این اثر با الهام از غزل مشهور حافظ «زاهد ظاهر
 پرست از حال ما آگاه نیست در حق ما هرچ
 گوید جای هیچ اکراه نیست»^{۱۱} طراحی شده و
 گذشته از مضمون جالب، شیوه طراحی آن بسیار
 بدیع است. این سبک نقاشی کم‌تر به‌عنوان طرح
 فرش در ایران متداول بوده است. گرچه در بافت
 خرسک‌ها و فرش‌های روستایی و ایلی، مانند
 قالیچه‌های شرقی بنا به ذوق بافنده طرح‌های
 هندسی جالبی نقش‌پردازی شده؛ ولی سبکی که
 رسام پی‌ریزی کرده با اندیشه و تاحدودی متأثر از
 سبک «کوبیسم» منحصر به اوست.

ترکیب طرح‌های هندسی ساده به مدد رنگ‌های
 سرد و گرم فضای شاد و زنده‌ای از خلوت مورد
 نظر حافظ پدید آورده که علی‌رغم درهم ریختگی
 عمدی صور طراحی، رازی پوشیده نمی-
 ماند(ULR1).



تصویر ۸- فرش خلوت رندان(ULR1).

۹ پنجره خیال

در متن این اثر، در ورای پنجره‌ای با شیشه‌های
 رنگین، مرغ عنقا در تکاپوست؛ تا به نور سرخی
 رسد؛ که مظهر آن، قندیلی است آویخته بر فضایی
 وهم انگیز که حضورسه بنه چقه و دو پای‌پوش،
 رمز و رازی ویژه بدین فضا بخشیده است. پنجره
 مشبک، قفسی خیالی را در ذهن تداعی می‌کند،
 که عنقایی(سیمرغ) در آن گرفتار است؛ و در
 کشاکش برای رهایی، جلوه‌ای رقصان و افتان و
 خیزان یافته است. این بافته، احتمالاً، ملهم از
 قصص اساطیری، و سیر و سلوک هنرمند در
 اندیشه‌های عرفانی است(ULR1).

رسام عرب‌زاده در این دست‌بافته سرشار از نقش و
 رنگ، قصد نمایش جهانی خاص و دنیای پر از وهم
 و رؤیا را دارد. جهانی دیگر، این جهان یا آن جهان.
 نماد عنقا(سیمرغ)، هم‌چون سمبل همیشگی
 حقیقت در بخش بزرگی از اثر و درلابلای نقش-
 های شبیه پنجره‌های قدیمی یا شیشه‌های رنگین
 خودنمایی می‌کند. نقش‌های تنیده درهم پنجره-
 های مشبک گونه، تداعی رویاهای گوناگون
 هنرمند در مسیر دست یافتن به جهانی است که
 شاید، ایده‌آل رؤیایی رسام باشد. عنوان اثر ضمن
 هدایت مخاطب در خوانش صحیح متن رابطه
 موضوعی و مضمونی با متن داشته و از سویی،
 حاوی پیامی عرفانی نیز هست.



تصویر ۹- فرش پنجره خیال(ULR1).



تصویر ۱۰- فرش اسرار جهان(ULR1).

۱۰ اسرار جهان(سوال)

این اثر در زمره طراحی‌های عارفانه رسام است؛ و
 مضمون آن پرسشی است از رازها و اسرار جهان
 هستی، که همواره با انسان است و در هیچ عصر
 اندیشه آدمی را از آن گریزی نیست. برآستی در

هزار توی خم‌خانه حیات، جام هستی را چگونه باید در کشید؟

توالی متعارف اسلیمی‌های روشن در طرح علامت سوال، ضمن القای تداوم وضوح سوال را بر گستره تیره قالی دوچندان می‌سازد؛ گستره‌ای که با خطوط درهم تنیده و اشکال مبهم نشان‌گر رازهای پیچیده جهان است. از این‌رو، عنوان به‌طور مستقیم به مضمون و پیام نهفته متن اثر اشاره دارد.

(۱۱) کشکول

کشکول، عنوان یکی دیگر از آثار رسام عرب‌زاده است که در نگاه اول، به نظر می‌رسد از جمله عناوینی است که بین دال(عنوان) و مدلول(متن) رابطه‌ای وجود ندارد؛ اما بعد از شرحی بر چگونگی تولید آن می‌توان پی برد که انتخاب عنوان کشکول -که البته، از سوی رسام عرب‌زاده صورت نگرفته است- هم‌سو با فرایند تولید و پیام نهفته در آن است.

این اثر طرحی نو و ابتکاری، و اثری بی‌سابقه و در عین حال اقتصادی از رسام عرب‌زاده است؛ و شرح حکایت آن از زبان استاد درس اقتصاد و عدم اسراف را به هنرآموزان و هنرمندان آینده می‌آموزد. غالباً، دیده شده است که تکه نخ‌های الوان در جای جای کف کارگاه‌ها بی‌مصرف مانده که به اصطلاح نخ‌های دوریز نام دارد. استاد می‌گوید: «مقادیری از این نخ‌ها درون کیسه‌ای انباشته شده بود. بر آن شدم تا آن‌ها را در بافت فرش خارج از نقش‌پردازی‌های متعارف به مصرف رسانم. کار بافت به پایان رسید؛ اما بی‌نام، سرانجام، دوستان هنردوست مجله جوانان در بازدید از مجموعه فرش‌هایم به یاد اثر شیخ بهایی عنوان کشکول را بر آن نهادند»(ULR1).



تصویر ۱۱- فرش کشکول(ULR1).

جدول ۲. تحلیل عناوین آثار رسام عرب‌زاده(نگارندگان).

| اثر | عنوان اثر | نوع عنوان | شیوه انتخاب عنوان | مفاهیم و نقوش مرتبط با عنوان در اثر |
|-----|---------------------------------|-----------|------------------------------------|--|
| ۱ | بر در ارباب بی مروت | ادبی | برگرفته از شعری در ارتباط با مضمون | عبارت بر در ارباب بی مروت، تصویر درویشی فرو رفته در تفکر در فضایی تیره و تار، کوبه‌های در |
| ۲ | بیم موج | ادبی | برگرفته از شعری در ارتباط با مضمون | مصراع شعری از حافظ: بیم موج و گردابی چنین هائل نشانه‌های تصویری: شب، دریا ی متلاطم و زورق، امواج، ساحل |
| ۳ | غنیمت عمر | ادبی | پیام نهفته در متن | اشعار موجود در متن(خیام) و شکل و فرم اثر(طرح موزاییک شکسته) |
| ۴ | کار نیکو کردن از پر کردن است. | ادبی | موضوع | عبارت کار نیکو کردن از پر کردن است و نمایش صحنه تیر انداختن بهرام و دوختن پای آهو به گوشش |
| ۵ | انقلاب در انقلاب تاریخی- فرهنگی | عرفانی- | مضمون و پیام نهفته در متن | بیان‌گر واقعه انقلاب اسلامی و ترکیب‌بندی نقوش و فضا سازی‌های متفاوت |
| ۶ | برده الهام (مگردونه روزگار) | عرفانی | مضمون | پیام شعر، این حروف و حالهات از نسخ اوست عزم و فسخت همه از عزم و نسخ اوست |
| ۷ | جهان نما | عرفانی | مضمون | نقش ترنج با زمینه آبی، نگاره‌های سازهای ایرانی و پیر چنگی و چنگ، اسرارگو؛ عقابی سیاه، جمجمه انسان، داستان نژادهای مختلف بشر، سیمرغ، نمادهای شیر و آهو، عبارات و جملاتی از پیامبران و اندیشمندان و... |
| ۸ | خلوت رندان | فلسفی | مضمون | صحنه مرتبط با مضمون |
| ۹ | پنجره خیال | فلسفی | موضوع و مضمون و پیام | پنجره مشبک به مثابه فکری خیالی، عنقا(سیمرغ)، قندیل |
| ۱۰ | اسرار جهان | فلسفی | پیام نهفته در متن | علامت سوال، اشکال مبهم زمینه |
| ۱۱ | کشکول | فلسفی | بدون ارتباط با متن | - |
| ۱۲ | مرغان در بند | فرهنگی | مضمون و پیام | مرغان رنگارنگ، که آزاد و رها، در کنار هم نشسته یا در پروازند و یا آرامشی هماهنگ به فضا بخشیده‌اند. |

(۱۲) مرغان در بند

اثر زیبایی است از مرغان رنگارنگ، که آزاد و رها، در کنار هم نشسته یا در پروازند؛ و یا سایه‌هایشان آرامشی هماهنگ به فضا بخشیده‌اند. این اثر با الهام از حیات طبیعی پرندگان طراحی شده، که نقش بندی آن بر فرش، با همه ظرافت‌های این سبک، رنگ‌آمیزی متنوع، طراحی حالت‌های متفاوت از مرغان و سایه‌پردازی‌های هنرمندانه و خیره‌کننده، نشان‌گر مهارت و توانایی رسام در زمینه‌های مختلف طراحی و بافت فرش است.

به تعبیر رسام، فرش‌بافی هنر است؛ و می‌تواند چون دیگر هنرها در تعالی انسان و رهایی او از

قیدها و بندها، نقش سازنده‌ای داشته باشد؛ بر این باور به طراحی این اثر پرداخته و به کمک یک زندانی آن را بافته است؛ تا شعله عشق آزادگی در وجود زندانی زبانه کشد و به شور چنان عشقی از بند برهد و به کالبد اثر هنرمندانه‌اش جان تازه‌ای دمد.



تصویر ۱۲- فرش مرغان در بند (ULRI).

نتیجه‌گیری

با توجه به مطالب گفته شده، می‌توان نتیجه گرفت، منظور رسام عرب‌زاده از عنوان‌گذاری آثارش، صرفاً انتخاب صرف عنوان نبوده است؛ بلکه ضمن این‌که عنوان در آثار وی، مهم‌ترین و اساسی‌ترین درگاه ورود به آن اثر است، چرا که ارتباط تنگاتنگی با مفاهیم آن اثر دارد، از سویی، ذهن خواننده را به چالش کشیده، فرضیه‌هایی برای او مطرح ساخته و او را به خوانشی عمیق از متن اثر، تحریک می‌کند. اغلب عناوینی که رسام برای آثارش برگزیده است، ساده و محسوس نیست و نیازمند تامل بیش‌تر مخاطب است. با این‌که عنوان آثار وی می‌تواند در خوانش متن تعامل داشته باشد، نوآوری معنایی با استفاده از عنوان به ما نشان می‌دهد که حضور و عدم حضور عنوان در آثار رسام عرب‌زاده، اثر بسیار مهمی در دریافت مخاطب از معنای آن خواهد داشت. از سوی دیگر، با در نظر داشتن عنوان با کارکرد روایی و استعاری می‌توان کارکرد انواع عنوان‌ها را -به صورتی که بررسی شد- با کارکرد مواردی چون نماد، تشبیه، کنایه و... مقایسه - نمود؛ عناوین آثار رسام سرشار از مفاهیم عرفانی و ادبی و فلسفی با بهره‌گیری از اندیشه عرفا و اندیشمندانی چون حافظ و مولانا و خیام و ... است؛

در متن اثر به زبان نماد و نشانه و کنایه در قالب نقش و نوشتار نمایان است. از سوی دیگر، آثار هنرمندان از زندگی و اندیشه‌های آن‌ها جدا نیست. در حقیقت، نام-گزینی آثار رسام عرب‌زاده برای آثارش می‌تواند بیان‌گر گرایش‌ها و خطوط فکری عرفانی و فلسفی وی باشد.

پی‌نوشت

- ¹ Titology.
- ² Pour une semiotique du titre.
- ³ Gerard Genette.
- ⁴ Figure III.
- ⁵ Seuil.
- ⁶ The influence of titles on how paintings are seen.
- ⁷ Entitling Art: Influence of Title Information on.

^۸ نک. (بابا مقدم و دیگران، ۱۳۷۱).

^۹ نک. (سرمدی، ۱۳۸۲).

^{۱۰} نک. (نظامی گنجوی، ۱۳۳۴: ۲۵۱).

^{۱۱} غزل شماره ۷۱ حافظ.

منابع

- استاد بابامقدم شفیق، مسعود و تبرائیان، محمدحسن (۱۳۷۱). **گره عشق**، برگزیده‌ای از آثار رسام عرب‌زاده، تهران: رسام عرب‌زاده.
- بلخی، مولانا جلال‌الدین محمد (۱۳۸۳). **مثنوی معنوی**، تهران: امیرکبیر.
- جراحی طلب، آی تک (۱۳۸۸). بررسی و تحلیل قالی‌های رسام عرب‌زاده از منظر ساختارگرایی، پژوهش در فرهنگ و هنر، دوره ۱، شماره ۲، ۲۵-۳۹.
- حافظ شیرازی، شمس‌الدین (۱۳۸۰). **دیوان حافظ شیرازی**، تصحیح حسن اعرابی، قم: رواق اندیشه.
- خیام نیشابوری، عمر (۱۳۶۵). **رباعیات خیام**، تهران: امیرکبیر.
- دریانی، نازیلا (۱۳۸۶). **زیبایی‌شناسی در فرش دست‌بافت ایران**، تهران: مرکز ملی فرش ایران.
- دینه سن، آنه ماری (۱۳۸۰). **در آمدی بر نشانه‌شناسی**، ترجمه: مظفر قهرمان، آبادان: پرسش.
- راد منش، شبنم السادات و شعیری، حمیدرضا (۱۳۹۲). بررسی نشانه-معنا شناختی رابطه عنوان و نقاشی مطالعه موردی نقاشی «تداوم خاطره» سالوادور دالی و «جیغ» ادوارد مونش، **نقد ادبی**، سال ششم، شماره ۲۴، ۷-۳۰.
- سرمدی، عباس (۱۳۸۲). **بدایع نگار فرش ایران عرب زاده**، تهران: بساوی.
- سپهلی اصفهانی، بهروز و مراثی، محسن (۱۳۹۵). مطالعه کارکرد عنوان در آثار تجسمی هنر مفهومی، **نامه هنرهای تجسمی و کاربردی**، شماره ۱۸، ۵-۲۲.
- عبداله‌آبادی، الهه و مقیم نژاد، مهدی (۱۳۹۱). **بررسی نقش عنوان در کارکردهای بیانی عکس‌عنوان در عکس‌های عکاسان هنری معاصر ایران**، پایان‌نامه کارشناسی ارشد عکاسی، دانشگاه هنر تهران.

- Jarahi Talab, A. (2009). *A Survey on Rasam Arabzadeh Rugs by Structuralism*, Research on Culture and Art, 1(2), 25-39 (Text in Persian).
- Ledera, H. Carbona, C. and Ripsasb, A. (2006). Entitling Art: Influence of Title Information on Understanding and Appreciation of Paintings, *Acta Psychologica*, 121(2), 176-198 (Text in Persian).
- Madikhah, S., Namvarmotlagh, B. (2013). *Paratext of Title and Heading as a Text Threshold in Cinema with Emphasize on Abbas Kia Rostami Works*, Esfahan Art University (Text in Persian).
- Namvarmotlagh, B. (2009). *Titles of Artistic and Literary Works (Semiotic Study of Artistic Titles from the fourth to the Twelfth Century)*, Collection of articles of the fourth symposium of art semiotics, including symposium articles of cinema, Tehran: Academy of the Arts (Text in Persian).
- Nizami Ganjavi. (1995). *Letter of Haft Peykar*, Edited and Annotated by Vahid Dastgerdi, Tehran: Shargh (Text in Persian).
- Khayyam Neyshabouri, O. (1986). *Rubaiyat Quartets*, Tehran: Amirkabir (Text in Persian).
- Hafez Shirazi, Sh. (2001). *Divan of Hafez Shirazi*, Edited by Hassan Arabi, Qom: Ravaghe Andisheh (Text in Persian).
- Radmanesh, Sh, Shaeiri, H. R. (2013). A Semiotic Study on the Title-Painting Relationship A Study of "The Persistence of Memory" by Salvador Dali and "Scream" by Edvard Munch, *Literary Criticism*, 6 (24), 7-30 (Text in Persian).
- Sarmadi, A. (2003). *Iranian Carpet Novelist Arabzadeh*, Tehran: Yassavoli (Text in Persian).
- Soheli Esfahani, B., Marasy, M. (2016) A Study Of (Title) Function in Visual Conceptual Art, *Journal of Visual and Applied Art*, 18, 5-22 (Text in Persian).
- Ostad Baba Moghaddam Shafigh, M., Tabariyan, M. H. (1992) *Gereh Eshgh : Rasam Arabzadeh Artworks*, Tehran: Rasam Arabzadeh (Text in Persian).
- کار، جاناتان(۱۳۸۸). *در جستجوی نشانه‌ها (نشانه‌سازی، ادبیات، و اسازی)*، ترجمه لیلا صادقی و تینا امراللهی، ویرایش فرزانه سجودی، چ. دوم، تهران: علم.
- معادیخواه، سمانه و نامور مطلق، بهمین(۱۳۹۲). *پیرامتن‌های عنوان و عنوان بندی به مثابه آستانه متن در سینما با تاکید بر آثار عباس کیارستمی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهش هنر، دانشگاه هنر اصفهان.
- نامور مطلق، بهمین(۱۳۸۸). *عنوان‌شناسی آثار هنری و ادبی(مطالعه نشانه‌شناختی عنوان هنری از قرن چهارم تا دوازدهم)*، مجموعه مقالات چهارمین هم اندیشی نشانه‌شناسی هنر به انضمام مقالات هم اندیشی سینما، *فرهنگستان هنر*، ۷۵-۱۱۲.
- نظامی گنجوی، الیاس بن یوسف(۱۳۳۴). *نامه هفت پیکر*، به تصحیح و حواشی وحید دستگردی، تهران: چاپ شرق.

References:

- Abdollahabadi, E., M. Moghim Nejad (2012). *A survey on Title Function on Expressing Function of Picture*, Tehran Art University (Text in Persian).
- Balkhi, Maulana. (2004). *Masnavi Manavi*, Tehran: Amirkabir (Text in Persian).
- Culler, J. (2009). *The Pursuit of Signs: Semiotics, Literature, Deconstruction*. Translated by Leila Sadeghi & Tina Amrollahi, Edited by Farzan Sojoodi, Tehran: Elm (Text in Persian).
- Daryaei, N. (2008). *Aesthetics of Persian Carpets*, Tehran: Iran National Carpet Center (Text in Persian).
- Dinesen, A. M. (2001). *Semiotics*, Translated by Mozaffar Ghahreman, Abadan: Porsesh (Text in Persian).
- Franklin, Margery B., Becklen, Robert C. and Doyle, Charlotte L. (1993). The Influence of Titles on How Paintings Are Seen, *Leonardo*, The MIT Press, 26(2), 103-108.
- Fourier, F., Andre, F. (1968). *Titre de livres au huiteme siecl*.
- Genette, Gerard. (1973), *Figures II*, Paris : Seuil
- H.Hoek Leo(1973), *La marque du titre*, Berlin: De Gruyter.
- _____. 1982. *Palimpsestes. La littérature au second degré*. Paris: Seuil.

URLs:

URL1: <http://rasammuseum.com/>(Access date

2018.1.3)

The Semiotic Analysis of the Title in Rasam Arabzadeh's Carpets¹

A. Yaghoubzadeh²
H. Pourmand³

Received: 2019-11-12
Accepted: 2020-05-21

Abstract

Rasam Arabzadeh is one of the contemporary artists in the field of designing and producing carpet. Rasam Arabzadeh's artworks are deconstructive and different with traditional carpets in terms of form and visual elements; also strange and deconstructive. Rasam Arabzadeh selected different titles for them for semiotic function. Most of his artworks contain various literary, cultural, gnostic and philosophical titles. The titles chosen by Arabzadeh for his works show the importance of the work in addition to the work itself. One of the new ways to study a text in the current of thought is to analyze and critique the titles and names of literary and artistic works that can express the intellectual developments and developments that govern a text on the one hand and the general atmosphere of thought on the creator of that text on the other hand. Titles are signifier that use for detection of context and their concepts and attracting audience at the beginning of context.

Titles are one of the important elements of every work. Titles are first connector between audience and author which appear in one of these forms: lingual sign, symbol and also they can create signified on audience mind.

The importance of title on Rasam Arabzadeh's artworks is not just for distinction or identity but title can be first sign that ever person encounter with them and they help to understand well. Hence, a role can be given to the title in this process. The title as an artist strategy such as having functions such as narrative and metaphorical functions.

Each title shows one of the aspects of the text. If the title can show the most colorful and important subject and aspect, naming is done correctly. Hence, the title is the most prominent and main message of the text that is emphasized. Some believe that the name which is selected by author is a reflection of his mind. Some of authors name their works just for discriminate them for authors and audiences which who them. The importance of title is not for distinction, it can show quality of its being made and the function as well. Title is the first sign that audience encounter with it. There is a meaningful relation between a content and the title so audience can understand the subject.

In this research, we try to use the descriptive-analytical method and using semiotics to examine the titles and related texts in his works. The method of this research on the base of purpose is fundamental and qualitative and descriptive-analytical. The assemblage of data is library and field and internet.

The present research, investigates the titles of the selected works (12 items) of Rasam Arabzadeh, which seeks to answer the following questions:

1. What's the relation between titles of Rasam Arabzadeh's carpet and context?
2. How can the titles of Rasam's carpets show the base purpose of author?
3. Do analysis of titles of Rasam Arabzadeh's Artworks refer audience to understand Rasam Arabzadeh's idea?

Audience have to think more about titles of Rasam's Artworks and these titles have gnostic, literary and philosophic concepts by usage of Hafez and Molana and Khayyam thoughts and others. These concepts appear by sign and symbol and allegory on contexts.

The titles of Rasam Arabzadeh's carpets are:

1. Literary and cultural
2. Gnostic
3. Philosophic

Rasam Arabzadeh chose titles for his artworks in different methods:

1. The name of artwork according content
2. The name of artwork according a piece of poem of content with relation to its subject
3. Title according to message which is the purpose of author
4. The name of artworks according to the form of artwork
5. Without any relation between signifier (title) and signified (context)

The results of the research show that while the title in his works is the most important and basic gateway to that work, it is closely related to the concepts of that work. On the other hand, it challenges the reader's mind, makes hypotheses for him and stimulates him to a deep reading of the text of the work. The title in the works of Rasam Arabzadeh is very effective in reading the text of the works and in most cases it can be a part of the work.

Keywords: Title, Carpet, Rasam Arabzadeh, Semiotics, Readings Text.

¹DOI: 10.22051/jjh.2020.28801.1462

² PhD student in Islamic Art, Faculty of Islamic Industrial Arts, Tabriz University of Islamic Arts, Tabriz, Iran.

a.yaghoubzadeh@tabriziau.ac.ir

³ Associate Professor, Art Research Department, Faculty of Arts, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran (Corresponding Author). Hapourmand@modares.ac.ir